

تحلیلی بر شاخص‌های نهادینه‌سازی سیاست محله‌محوری

در توسعه اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهر تهران^۱

سیدکمال حسینی^۱ حمید پیشگاه هادیان^{۲*}، محمدعلی خسروی^۳

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

چکیده

امروزه گذار از برنامه‌ریزی شهری انتزاعی و اتصال آن به حوزه اجرا از طریق تمهیدات لازم در حوزه سازماندهی، رهبری؛ نظارت و تخصیص بهینه منابع شهری با هدف کاهش تنش‌ها و تضادهای فرهنگی و تربیت شهروندانی مشارکت‌مدار و محله‌محور در سیاست‌های کلان مدیریت شهری رخ داده است. در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی شاخص‌های سیاست محله‌محوری مؤثر در توسعه اجتماعی و فرهنگی از طریق مطالعه میدانی مبتنی بر تنظیم پرسشنامه با مراجعه به جامعه خبرگی به تعداد ۳۰ نفر صورت پذیرفت. با تجزیه و تحلیل صورت گرفته روی ۴۵ شاخص گزینش در چارچوب پرسشنامه نسبت روایی محتوایی (CVR)، همه شاخص‌ها واجد احراز حداقل مقدار CVR یعنی ۰/۳۳ شدند. بر همین اساس، شاخص روایی محتوایی بر اساس ۴۵ شاخص محاسبه گردید که مقدار حداقلی آن ۰/۶۷ محاسبه شد. در ادامه بر مبنای همین شاخص، پرسشنامه CVI که یک پرسشنامه طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای برای بررسی آیتم‌های مربوط بودن، واضح بودن و ساده بودن طراحی شده بود، مورد ارزیابی قرار گرفت و همه شاخص‌ها واجد احراز حداقل مقدار CVI یعنی ۰/۶۷ شدند.

واژگان کلیدی

سیاست، محله‌محوری، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، کلان‌شهر تهران

۱ - این مقاله مستخرجه از رساله دکتری تحت عنوان بررسی سیاست محله‌محوری شهرداری تهران در توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران از برنامه اول توسعه تا سال ۱۴۰۰ است.

مقدمه

مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO) برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آنها با نتایج بهینه است. مقوله جدیدی در نظام مدیریت شهرها، تحت عنوان حکمروایی خوب شهری مطرح شده است که بر چگونگی دست یافتن به مدیریتی کارا، پایدار و بهینه با زمینه توسعه‌ای مردم‌سالار و عادلانه تأکید دارد.

توسعه محلی و اجتماع‌محور به‌رغم سابقه نسبتاً طولانی در متون و نوشتارهای علمی و اجرایی، در اواخر دهه ۱۹۸۰م در قالب توسعه محلی و به عنوان مبحثی اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. با وقعه‌ای کوتاه در این دهه و با توجه به نگرش ویژه به سلول‌های عملکردی شهر در قالب اجتماعات محله‌ای به عنوان مفهومی جدیدتر مطرح می‌شود. در این زمینه میتوان به «دستور محلی ۲۱» اشاره کرد که از سال ۱۹۹۳م به عنوان راهکاری عملی برای تقویت مقیاس محلی وارد عمل شد. این دستورالعمل به دنبال تشویق مسئولان محلی به منظور ایجاد و توسعه برنامه‌های همکاری میان بخش‌های خصوصی و محلی و دولتی برای ایجاد توسعه در سطح محلی بوده است (قادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸).

پیامدهای صنعتی شدن و شهرنشینی کالبدمحور نه تنها مرزهای سنتی محلات، بلکه هویت فرهنگی و اجتماعی آنها را فرو ریخت و یا به تضعیف کشاند. محله‌گرایی نوین در واقع پاسخی بر بیش از یک قرن تمرکزگرایی در توسعه شهری، کالبدمحوری و بی‌توجهی به توسعه فرهنگی و اجتماعی و هم‌چنین به حاشیه رانده شدن خواسته‌ها و نیازهای شهروندان از یک سو و از سوی دیگر ضرورت مشارکت مؤثر آنها در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. امروزه محله و محله‌محوری جایگاه و اهمیت ویژه در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر پیدا کرده است که ریشه در انتقادهای فراوان به رویکرد توسعه کالبدی و فیزیکی شهر دارد (رزاقی، ۱۴۰۰). رویکرد محله‌محوری و مدیریت شهری محله‌ای یکی از موضوعاتی است که در سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری نوین بر آن تأکید می‌شود. سیاست‌های محله‌محوری از شاخص‌هایی برخوردار است که شناسایی و تقویت ابعاد کارکردی آنها می‌تواند گرایش شهروندان در مشارکت برای مدیریت و اداره امور شهر را ارتقاء بخشد. حکمرانی خوب شهری در گرو تعامل سازنده تمام طرف‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های درگیری در مدیریت شهر با مردم محل و به‌کارگیری مردم در تعیین سرنوشت شهر است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۹). شاخصه‌های محله‌محوری در سیاست‌های کلان مدیریت شهری کارکردهایی که محله به عنوان یک عرصه عمومی در شهر می‌کند، یکی از موضوعاتی است که در گرایش‌های شهروندان برای حضور در عرصه‌های عمومی، تأثیرات عمیقی دارد. از این رو احیای محله‌محوری، یکی از موضوعاتی است که کارکردهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری را به دنبال دارد اما نیازمند تعریف شاخصه‌هایی است که باید با واقعیت‌های زندگی امروزی مردم شهرنشین هماهنگ باشد.

محلّه محوری یک عوامل مؤثر از برای رفع بوروکراسی زاید اداری و کمکی برای توسعه پایدار شهری است. شهر خوب و مطلوب از نظر فرهنگی شهریست که دارای مدیریت شهری کارآمد و شهروندانی آگاه و آشنا به حقوق و وظایف شهروندی باشد. برای رسیدن به فرهنگ و مناسبات اجتماعی مطلوب در بین شهروندان و کم کردن هزینه‌های وارد شده به شهر، توجه به برنامه ریزی جهت ارتقا فرهنگ و اخلاق شهروندی با توجه به نیازهای جامعه و شهروندان توسط مدیران شهری امری لازم و ضروری می‌باشد (عسکری آزاد، ۱۳۹۲: ۲۰). در قوانین دین اسلام محلّه محوری و زندگی مسالمت‌آمیز قبایل و گروه‌های ناهمگون قومی و مذهبی در کنار هم در راستای ترقی آبادانی شهرها همواره مورد تأکید بوده است. منشور مدینه اولین قانونی بود که بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر مبنای احترام متقابل ساکنین شهر در سال اول هجرت توسط حضرت محمد (ص) در شهر مدینه پیاده شد. پیاده‌سازی مفاد آن در کاهش تنش‌های قومی و مذهبی و برقراری صلح و ثبات در مدینه اثرگذار بود (Jani, 2015: 361).

امروزه یکی از چالش‌های بزرگ در مدیریت شهری، جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر است. این عامل موجب گردیده در سیاست‌های کلان مدیریت شهری با بی‌توجهی به نهادهای مردم‌نهاد و مدنی، تکیه بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیردموکراتیک مورد تأکید قرار گیرد. همچنین در مدیریت شهری سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی بالا به پایین جایگزین سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی پایین به بالا گردیده است.

بر همین اساس، هدف اصلی این تحقیق؛ شناخت شاخص‌ها، رویکردها، جهت‌گیری‌های حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی در حوزه توسعه اجتماعی-فرهنگی شهرداری تهران با رویکرد محلّه محوری است و ضرورت سیاست‌گذاری شهری برای حوزه فرهنگی-اجتماعی با محوریت محلّه محوری از این واقعیت برمی‌خیزد که فرایند اعمال قدرت از سوی ذینفعان و صاحبان قدرت شهری می‌تواند به انحاء مختلف باعث تغییر در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی شود؛ به طوری که نشناختن شاخص‌ها، رویکردها و جهت‌گیری حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی مدیریت شهری در حوزه توسعه اجتماعی-فرهنگی می‌تواند موجب گرایش مدیریت شهری به برخی از گروه‌ها و یا اجتناب آن از برخی گروه‌های دیگر شده و در نهایت فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را برای مدیران شهری را با انحراف مواجه نماید.

در این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و کار میدانی مبتنی بر طراحی پرسشنامه‌های تخصصی نسبت روایی محتوایی (CVR)^۱ و شاخص روایی محتوایی (CVI)^۲ شاخص‌های نهادینه‌سازی سیاست محلّه محوری در توسعه اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهر تهران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

1 - Contain Validity Ratio (CVR)

2 - Contain Validity Index (CVI)

پیشینه تحقیق

کریمی‌زاده اردکانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای محله‌محوری و نقش آن در شکوفایی مدیریت در کلان‌شهرها» به بررسی جامعه‌شناختی مدیریت محله‌محور در شکوفایی خدمات به شهروندان و پیامدهای این‌گونه مدیریت پرداخته است. و به این نتیجه رسیده که برای فراهم شدن زمینه‌های مشارکت اجتماعی مردم رویکرد محله‌محور لازم است. همچنین تأکید گردیده مفاهیمی چون برنامه‌ریزی از پایین، مشارکت جمعی، توزیع عادلانه امکانات تنها در سایه مفهوم توسعه محله‌ای و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت می‌یابد.

خوند (۱۳۹۶)؛ در پژوهشی با عنوان «مدیریت شهری با رویکرد محله‌محوری» به این نتیجه رسیده که رویکردهای مهمی که در چند دهه اخیر مدیران شهری به آن توجه خاص داشته‌اند و به عنوان کارآمدترین سیستم مدیریت شهری بیان کرده‌اند؛ مدیریت محله‌محور است. در مدیریت محله‌محور، مردم و تأمین نیازهای اساسی آنها از اولویت خاصی برخوردار است که جز از طریق مشارکت مردم محله میسر نخواهد بود. در این دیدگاه اداره بخشی از امکانات محله به خود مردم سپرده می‌شود و مشارکت مردم از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا خود مردم به عنوان مصرف‌کنندگان خدمات هستند و نسبت به پتانسیل‌ها و کاستی‌های محله از خودآگاهی بیشتری دارند پس بهتر می‌توانند برای محله خود تصمیم بگیرند. موحد و همکاران (۱۳۹۷)؛ در تحقیقی تحت عنوان؛ ارزیابی محله‌گرایی در طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ تهران)؛ اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری از لحاظ ساختاری و کالبدی که نتایج چشمگیری در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند؛ اما از لحاظ تأثیرگذاری این طرح‌ها بر ساختار اجتماعی و احساس تعلق مردم به منطقه و هویت محلی ضعیف عمل کرده و در بعضی موارد موجب کاهش سرمایه‌های اجتماعی و حس تعلق مردم به محل زندگی و گسست ساختار و سازمان فضایی محلات شده‌اند. موفقیت این طرح‌ها از لحاظ اجتماعی آن‌چنان چشمگیر و موفق‌آمیز به نظر نمی‌رسند و موفق به تقویت بنیان‌های محله‌گرایی نشده‌اند.

قاسمی (۱۳۹۸)؛ پژوهشی با عنوان «ارزیابی جایگاه محله‌محوری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)» معیارهای محله‌محوری مستخرج از دیدگاه صاحب‌نظران با مدل دلفی به بررسی شهر جدید هشتگرد پرداخته تا میزان مطابقت این شهر با معیارهای مطرح، بدست آید. با بررسی به عمل آمده مشخص شده که طراحی محلات شهر جدید هشتگرد بر طبق فرهنگ اصیل و غنی ایرانی و اسلامی نبوده و سلیقه‌های شخصی، توانایی‌های مالی خانواده‌ها، مقدار زمین زیرساخت، از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری فضای محلات در این شهر دخالت دارند.

پاور^۱ (۲۰۰۴)، در پژوهشی تحت عنوان مدیریت محله و آینده مناطق شهری به چالش‌ها و محدودیت‌های اصلی در حوزه اجرای سیاست‌های مدیریت محله پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق مهم‌ترین محدودیت‌های اجرای سیاست‌ها شامل؛

الف) دشوار بودن اندازه‌گیری تأثیر مستقیم مدیریت محله بر مشاغل، بهداشت، آموزش، جرم و جنایت. ب) هزینه‌بر بودن مدیریت محله. ج) پیچیدگی و چندوجهی بودن مدیریت محله د) سرمایه‌گذاری منطقی عامل خروج شهرها از ساختار مدیریت سنتی است.

لیزگارد^۱ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «سیاست‌های فرهنگی د و استراتژی‌های فرهنگی مناطق شهری» انجام داد: نشان داد که اگر چه ساختار سیاست تحت تأثیر جریان سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر مصرف نئولیبرالی قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد که سیاست‌های فرهنگی جوامع روستایی کوچک در میراث و سنت بر اساس ایده‌های مشارکت، بسیج و انسجام اجتماعی می‌باشد.

مواد و روش‌ها

مبانی نظری پژوهش

مفهوم محله در سال‌های اخیر به عنوان یک موضوع کلیدی توسط بسیاری از محققان مورد استفاده قرار گرفته است. بر همین اساس، تعاریف گوناگونی از محل ارائه شده است (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۶۹). محله به عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعیتی آنان فراهم می‌آورد. در بازتولید هویت محله، تقویت، حافظه تاریخی محله، تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در محله، ایجاد فضاهای عمومی و گفتگو بین شهروندان و حفظ سازمان محله‌ای بسیار مهم است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴). محله به عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات شهری و سلول‌های تشکیل‌دهنده بافت شهری در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نقش ویژه و خاصی را ایفا می‌کند. از آنجایی که محلات در کنار همدیگر به شهر معنا و هویت می‌بخشند، با مشارکت آگاهانه ساکنین محلات و واگذاری کار مردم به خودشان و نوسازی و رشد و توسعه هر محله و منطقه به وسیله مدیران و ساکنین آن، می‌تواند بر هویت‌بخشی بیشتر به محلات اثرگذار باشد. (خوند، ۱۳۹۶). تعاریف ارائه شده از محله از دیدگاه فضایی و مکانی، حقوقی و جامعه‌شناختی قابل تفکیک و طبقه‌بندی است. از منظر فضایی و مکانی؛ محله بخشی از هویت انسان شهری است که ماهیتی مکانی و فضایی دارد (عامری، ۱۳۹۵: ۴۱۴). محله عبارتند از یک منطقه مشخص در داخل شهر با مرزهای تعریف شده که در آن مردم در یک شبکه رسمی و غیررسمی با روابط و هویت‌های مشترک سازمان یافته و زیست می‌کنند (Sutton & Hall, 2013: 7). از منظر جامعه‌شناسی شهری؛ محله به مفهوم واحدهای اجتماعی حقیقی اطلاق می‌شود که تا حدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان توانسته‌اند شکل و فرم ثابت و پایداری به خود گرفته و حریمی ویژه و معین را برای خود تعریف کنند. در حقیقت محله متشکل از مجموعه افرادی با ویژگی‌های

اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و اقتصادی مشابه است که به واسطه این اشتراک نوعی همبستگی و روابط متقابل جمعی به وجود می‌آید (شهبازی، ۱۳۸۸: ۳۸). در گذشته محله‌ها، پایه‌های زندگی ارگانیک شهری به شمار می‌رفتند و هستی و حیات اجتماعی شهر را قوام می‌بخشیدند. محله‌ها در شهرنشینی گذشته تنها مکانی کالبدی و فیزیکی نبودند، بلکه ابعادی فرهنگی و اجتماعی داشتند. این ابعاد بر عناصری مانند تعلق، همبستگی، هویت، همدلی، همیاری و مودت و هم‌چنین دسترسی آسان و نزدیک به محل کار و بازار استوار بودند. این محلات به مرور به سبب رویکرد کالبدمحور حاکم بر شهرسازی مبتنی بر کارایی اقتصادی، عقل ابزاری، جدایی‌گزینی فعالیت‌ها و تسلط اتومبیل بر انسان رو به نابودی گذارده و در این روند ابعاد و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن‌ها نیز بسیار تخریب گردیده است (رزاقی، ۱۴۰۰).

محله‌گرایی

محله‌گرایی در برابر تمرکزگرایی قرار دارد. محله‌گرایی به نوعی مفهوم مشارکت را در اذهان تداعی می‌کند (رزاقی، ۱۴۰۰). محله‌گرایی یکی از وجوه تعلقات مکانی است که همواره در طول تاریخ شهر در جوامع مختلف وجود داشته است؛ در منابع تاریخی و جغرافیایی به زبان فارسی واژه کوی و گاه در کنار آن صورت عربی آن محله به کار می‌رفته است (فروزانی، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۰). محله‌گرایی گرایشی است که شهروندان به محله خود داشته و قصد دارند در مدیریت محله شرکت نمایند. این گرایش به علت حس تعلق انسان به محله‌ای است که در آن زیست می‌کنند (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷۱). محله‌گرایی تنها به معنی وجود حس و عاطفه به مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوع‌ها، اشخاص، اشیاء و مفاهیم آن مکان یا محله احساس تعلق می‌کند (کلانتری خلیل‌آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۱). محله‌گرایی می‌کوشد تا نظم اجتماعی را در محلات برقرار شده و امنیت اجتماعی، تفاهم و مشارکت مدنی ارتقاء یابد. تشکل‌ها، انجمن‌های محلی و شورایاری‌های محاله، حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان هستند که به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند و زمینه لازم برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنان در حل مسائل و چالش‌ها در سطح محلی را در نظام مدیریت شهری فراهم می‌آورند (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴). در واقع محله‌گرایی راهکاری برای افزایش جلب مشارکت‌های مردمی جهت سهیم شدن اهالی محله در اتخاذ تصمیمات برای بهبود و ساماندهی محیط زندگی خود، می‌باشد. زمانی که مردم در برنامه‌ریزی، ایده‌پردازی و اجرای طرح‌ها مشارکت نمایند، حضور خود را در طرح‌ها احساس می‌کنند، خود را متولی برگزاری و پیشرفت یک طرح دانسته این امر منجر به ارتقاء حس خودباوری و احساس مفید بودن برای محل سکونت می‌شود؛ بنابراین مردم، محله را از آن خود می‌دانند و در نتیجه احساس تعلق به محله، شکل‌گیری هویت محله‌ای و افزایش مسئولیت اجتماعی افزایش خواهد یافت که در نهایت منجر به افزایش همبستگی اجتماعی که همان محله‌گرایی می‌گردد (موحد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۸). از آن جا که محله، اجتماعی

کوچک ولی همبسته بوده و تأمین نیازهای مادی و معنوی آن بر همکاری و هماهنگی میان ساکنانش استوار است، لذا محله‌گرایی می‌تواند از یک سو به تقویت و توسعه فرهنگی و اجتماعی محلات شهر در وجوه امنیت، آرامش، هویت‌بخشی، انسجام، اعتماد اجتماعی و نشاط جمعی در قالب نهادهای منبعث از محله منجر شود و از سوی دیگر توسعه یکپارچه کلیت شهر را تضمین نماید. در رویکرد شهرگرایی جدید عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی در تعارض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه با مشارکت فعال اهالی محله در تعادلی هم‌وزن بسر می‌برند و در خدمت بهزیستی شهروندان راه توسعه شهری را می‌گشایند (رزاقی، ۱۴۰۰).

محله‌محوری

محله‌محوری رویکرد جدیدی در برنامه‌ریزی است که با هدف گرد هم آوردن گروه‌های مختلف درگیر یا ذی‌نفع در برنامه‌ریزی و توجه به نیازها است. محله‌محوری به رویکردی در سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی شهری که در آن اساساً منابع، امکانات و توزیع آن‌ها براساس پتانسیل‌های محلی صورت گرفته و سیاست‌گذاری اساساً مبتنی بر شناسایی نقاط قوت، ضعف‌ها و تهدیدها و فرصت‌های محله‌های مختلف شهری با توجه به ویژگی‌های هر کدام است (نقیبی و قریشی، ۱۳۹۷).

برنامه‌ریزی محله محور یکی از رویکردهای برنامه‌ریزی شهری برای باز تولید مفهوم شهروندی و ارزش‌های محله‌ای است. اهمیت پرداختن به محله شهری به دلیل نقشی است که محله به عنوان یکی از عناصر فضایی مهم شهری می‌تواند در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی ایفا کند. درک فضایی محله در برنامه‌های توسعه شهری به عنوان سرمایه مهم اجتماعی شهر تهران و مکان زیست انسان اجتماع محور به ما نشان خواهد داد که مردم در چه قالبی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. همچنین بررسی پروژه‌های شهری اجرا شده و در حال اجرا نقش و مشارکت مردم و رویکرد محله‌گرایی آنها را نشان می‌دهد (موحد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

اتخاذ رویکرد محله‌محوری می‌تواند به ساکنان آن، در دسترسی آسان‌تر به خدمات شهری، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها، جلب مشارکت مردم در تعیین اولویت‌ها و نیازسنجی‌های محلی و ارتقاء جایگاه فرهنگی و اجتماعی محله کمک شایان توجهی نماید. به همین منظور نیز محله‌محوری در تقویت فرهنگ محله‌ای می‌تواند مسائل اجتماعی را مسالمت‌آمیز و مبتنی بر نگاه اجتماعی حل و فصل نماید. همچنین محله‌محوری عامل مهمی در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تقویت اجتماعات محلی و تشکیل گروه‌های اجتماعی عامل مهمی در برآورده شدن نیازهای اجتماعی محله است. از این رو زمینه افزایش رضایت‌مندی مردم از محل سکونت ارتقاء می‌یابد. این مهم می‌تواند زمینه را برای همبستگی اجتماعی فراهم و با افزایش رضایت‌مندی از محله سکونت، تعلق اجتماعی نسبت به محله تقویت شود.

جنبش شهرگرایی جدید^۱ در نقد شهرسازی کالبد محور پدیدار شد و به تولید رهیافت نوینی در شهرسازی و توسعه شهری دست یافت که بر ضرورت زنده سازی و احیای محله‌ها و اهمیت آن‌ها در حفظ حیات پویای شهر و نهادهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در قامتی جدید تأکید بسیار دارد. توجه و تأکید شهرگرایی جدید به روابط صمیمانه، دسترسی پیاده به خدمات عمومی، تقدم پیاده بر سواره، گسترش وسایل حمل و نقل عمومی، حفظ زمین‌های با ارزش کشاورزی و مزایای ناشی از سرمایه اجتماعی مانند تسهیل کنش‌های جمعی و بین فردی موجبات بازسازی زندگی اجتماعی و سرشاری جریان حیات شهری و رضایت از زندگی را در قالب محله‌محوری فراهم می‌آورد. هدف «شهر شورایی جدید» و «نوشهرگرایی» بازسازی تمامی ساحت‌های مادی و معنوی حیات شهری با رهیافت محله محور است (رزاقی، ۱۴۰۰).

آلبرلی درباره رویکرد محله‌محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، شاخص‌هایی را به شرح زیر عنوان می‌کند (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷۹):

الف) شروع و آغاز آن با انتقاد از وضعیت موجود است (وضعیتی که مشخصاتی چون: نخبه‌گرایی، تمرکزگرایی و مقاومت در برابر دارد)؛

ب) پیوسته است و در زمان واقعی مرتبط با واقعیات زندگی روزمره اتفاق می‌افتد؛

ج) در تصمیم‌گیری‌ها اصل عدم تمرکز را رعایت می‌کند؛

د) به دنبال دستیابی به عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی است؛

ه) تسهیل توسعه انسانی و بهبود کیفیت زندگی را مدنظر دارد.

مدیریت محله

فرایند مدیریت محله برای نخستین بار در گزارش تیم سیاست و اجرای شماره یک وابسته به بخش ادغام اجتماعی وزارت کشور انگلیس در سال ۲۰۰۲م به عنوان ابزاری برای توانمند کردن اجتماعات محروم و ارتقای خدمات محلی از طریق بهبود خدمات اجتماعی، به شکل پیوندی و پاسخگوتر کردن آنها در مقابل نیازهای محلی، موجودیت پیدا کرد (Pill, 2011). (6) در ایران و به طور خاص در شهر تهران، طرح مدیریت محله، بر مبنای محور تشکیل ستاد سازماندهی مشارکت‌های اجتماعی مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران مصوب جلسات رسمی شورای اسلامی کلان‌شهر تهران (دور دوم) در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ شکل گرفت و بعد از اجرای آزمایشی در برخی از محلات تهران، از سال ۱۳۹۰ به طور کامل اجرا شد. اجرای طرح مدیریت محله در محله‌های شهر تهران با هدف سپردن امور مرتبط فرهنگی، اجتماعی و ورزشی در مقیاس محله به خود ساکنان محله و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت مشارکت، همکاری و توانمندی ساکنان، فرصت حضور، همکاری و تعامل

تمامی علاقمندان به مسائل شهری در مقیاس محله‌ها و شکوفایی استعداد‌های محله‌ای در حوزه هویت‌یابی و ایجاد احساس تعلق شکل گرفت. تشکل‌ها، انجمن‌های محلی و شورایی‌های محله‌ها، حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان قرار گرفتند تا به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی بپردازند (قادری و همکاران به نقل از ذاکری، ۱۳۹۵: ۵۹).

برنامه‌ریزی محله‌محور

برنامه‌ریزی محله‌محور رویکرد جدیدی در برنامه‌ریزی شهری است که با هدف گردهم آوردن گروه‌های مختلف درگیر یا ذینفع در برنامه‌ریزی شهری و توجه به نیازها و خواسته‌های همگانی ساکنین در تدوین برنامه‌ها مطرح می‌شود. این شیوه از برنامه‌ریزی به طور عمده بر چهار مفهوم رهبری محله‌ای، چشم‌انداز تام راهبردی، درگیر شدن محله و کارکرد مشارکتی متکی است (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷۳). به‌کارگیری برنامه‌ریزی محله‌مبنا بیش از هر چیز، نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت‌ساز محله‌ای است. نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های داوطلب محلی عناصر کلیدی این نگرش هستند (پیران، ۱۳۸۳: ۱۵). مفهوم برنامه‌ریزی محله‌مبنا مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی به ابعاد فضا-زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد و به محله‌های شهری می‌اندیشد. در این نگرش برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا، مبتنی بر تأکید بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنان محلات است (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷۴).

شاخص‌های محله و محله‌محوری در گرایش‌های علمی مختلف

بررسی اولیه تعاریف ارائه شده درباره محله و محله‌محوری از دیدگاه جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، جغرافیا شهری و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری نشان از برخی تفاوت‌های آشکار در اینکه «محله به طور مطلق چیست؟» دارد. لذا برداشت‌ها و نگرش‌هایی که ناظر به مفهوم محله است بر روند، فرایند سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل‌دهی به محله در جامعه تأثیر بسزایی دارند. اهم شاخص‌های تعریف شده برای محله‌محوری مطابق جدول ۱ است:

جدول ۱: شناخت مفهوم محله و محله‌محوری براساس عناصر و مؤلفه‌های اصلی آن در حوزه‌های علمی مختلف

مضامین مشترک	عناصر و مولفه های اصلی	حوزه های علمی
الف) دارا بودن محدوده مشخص در شهر ب) حس همبستگی و روابط متقابل بین ج) هویت جمعی و اشتراک اهداف بین ساکنان یکپارچگی فضا و فعالیت در محدوده محله	دارا بودن همبستگی و روابط متقابل محله به عنوان واحد اجتماعی دارا بودن محدوده و حریم معین	جامعه‌شناسی شهری
	حوزه مسکونی در مقیاس کوچک افراد ساکن در یک حوزه مسکونی روابط میان ساکنان کیفیت روابط و تعاملات	علوم اجتماعی

	محدوده مشخص و معین در بافت شهر رویارویی و بر خورد چهره به چهره تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک هدفمندی سکونت در موقعیت مکانی معین	جغرافیای شهری و اجتماعی
	بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر هویت و موحودیت اقتصادی و اجتماعی پویا توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی به صورت یکپارچه محدوده شهری معین دارا بودن ترکیب متوازی از فعالیت‌ها دارا بودن مرکز معین وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی	برنامه‌ریزی شهری

روش تحقیق

این تحقیق از منظر مکتب معرفت‌شناسی، در حوزه نقد گزاره علمی محله‌محوری برای پالایش و بومی‌سازی کاربردی سیاست محله‌محوری در توسعه اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهر تهران در راستای اصلاح و نهادینه‌سازی سیاست‌های محله‌محور گام برداشته و با رویکرد تشریح و تحلیل میدانی به استخراج شاخص‌ها و مقوله‌ها پرداخته است. از منظر هدف در حوزه معرفتی نظری و کاربردی، محور انجام تحقیق مبتنی بر ماهیت‌شناسی و تبیین علی-کارکردی محله‌محوری می‌باشد. شیوه انجام تحقیق، توصیفی و پیمایشی مبتنی بر استفاده از پرسشنامه و تحلیل آماری در نرم‌افزار SPSS، است. جهت سنجش روایی، سؤال‌های طراحی شده براساس عامل‌ها در اختیار تعداد ۳۰ نفر از خبرگان و متخصصان مسلط به مفاهیم تحقیق داده شد و از آن‌ها خواسته شد، عامل‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. بدین ترتیب شکل ظاهری، معرفت‌محتوایی، قدر کفایت سنج‌ها و توانایی سؤال‌ها در انعکاس سنج‌ها تأیید شد. برای محاسبه ضریب پایایی، ابتدا در مرحله پیش‌آزمون، پایایی پرسشنامه توزیع شده تعیین شده و در مرحله دوم با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب آلفای ۰/۸۷ برآورد شد، بنابراین با توجه به اینکه میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده بالاتر از ۰/۷ است، پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲: برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق

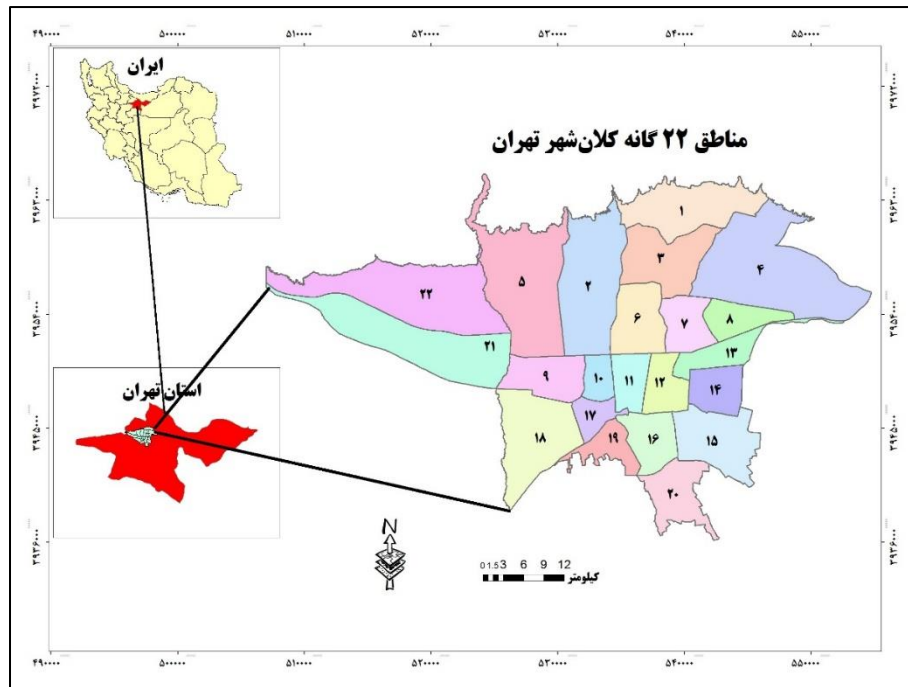
آزمون پایایی	تعداد پاسخگویان (نفر)	ضریب آلفای کرونباخ
آلفای کرونباخ	۳۰	۰/۸۷
تأیید پایایی پرسشنامه تحقیق: میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده بالاتر از ۰/۷ است		

جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی صاحب نظران، کارشناسان و متخصصان حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی شهر، متخصصان برنامه‌ریزی شهری، مدیران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران است. جامعه نمونه در این پژوهش هدفمند است که از طریق تکمیل پرسشنامه طراحی شده تا ۳۰ نفر تعیین شده است.

منطقه مورد مطالعه

شهر تهران با وسعتی بالغ بر ۷۳۰ کیلومتر مربع در دامنه جنوبی ارتفاعات البرز مرکزی واقع شده است. کلان‌شهر تهران از شمال به شهرستان شمیرانات، از شرق به شهرستان دماوند، از جنوب به شهرستان ورامین، ری و اسلامشهر و از غرب به شهرستان شهریار و کرج محدود می‌شود. این کلان‌شهر به ۲۲ منطقه شهری تقسیم شده است و مساحت آن بدون احتساب حریم شهری حدود ۶۱۳ کیلومتر مربع، و به احتساب حریم شهری به ۷۳۰ کیلومتر مربع می‌رسد. همچنین از نظر تقسیمات اداری به ۲۲ منطقه، ۱۲۳ ناحیه، و ۳۷۴ محله تقسیم می‌شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱۳).

جمعیت کلان‌شهر تهران و مناطق آن براساس آمارنامه شهر تهران در سال ۱۳۹۸ به ۹۴۲۳۷۰۳ نفر رسید. در میان مناطق شهر تهران، بیشترین جمعیت در سال ۱۳۹۸ در منطقه ۴ با ۹۹۰۱۴۶ نفر (۱۰/۶ درصد از کل جمعیت) و پس از آن منطقه ۵ با ۹۲۸۷۳۸ نفر (۹/۷ درصد از کل جمعیت) مربوط بود. کمترین جمعیت نیز در منطقه ۲۲ با ۱۹۱۹۳۴ نفر (۲ درصد از کل جمعیت) قرار داشت (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۸: ۴۷) در شکل شماره ۱، موقعیت مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران آمده است.



شکل ۱. نقشه محدوده جغرافیایی منطقه مورد مطالعه ترسیم: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

از آنجایی که محله‌محوری از سیاست‌ها و راهبردهای اصلی در کلان‌شهر تهران برای مدیریت محله است، بر همین اساس سیاست‌گذاری توسعه فرهنگی-اجتماعی مبتنی بر محله‌محوری ضرورت دارد. تقویت محلات شهری تهران می‌تواند به ساکنان آن، در دسترسی آسانتر به خدمات شهری، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها، جلب مشارکت مردم در تعیین اولویت‌ها و نیازسنجی‌های محلی و ارتقاء جایگاه فرهنگی و اجتماعی محله کمک شایان توجهی نماید. همچنین محله‌محوری در تقویت فرهنگ محله‌ای می‌تواند مسائل اجتماعی را مسالمت‌آمیز و مبتنی بر نگاه اجتماعی حل و فصل نماید. حتی عامل مهمی در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تقویت اجتماعات محلی و تشکیل گروه‌های اجتماعی عامل مهمی در برآورده شدن نیازهای اجتماعی محله است. از این رو زمینه افزایش رضایت‌مندی مردم از محل سکونت ارتقاء می‌یابد. این مهم می‌تواند زمینه را برای همبستگی اجتماعی فراهم و با افزایش رضایت‌مندی از محله سکونت، تعلق اجتماعی نسبت به محله تقویت شود. مهم‌ترین شاخص‌های تعریف شده برای نهادینه‌سازی مقوله محله‌محوری در کلان‌شهر تهران که با مراجعه به جامعه نمونه تعریف شده در تحقیق استخراج گردیده است، مطابق جدول شماره ۲ است.

جدول ۲: شاخص‌های نهادینه‌سازی سیاست محله‌محوری در توسعه اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهر تهران

مضامین	ابعاد	شاخص‌ها
	اجتماعی	سیمای ذهنی و ادراکی ساکنین نسبت به محله

شکل‌گیری بنیادهایی برای شکل‌گیری و تقویت حقوق و نظام اجتماعی	شاخص‌های بوم‌شناختی / فرهنگی / تاریخی	ذهنی / درونی	
میزان همپیوندی اجتماعی			
برنامه‌ریزی امنیت مردم‌نهاد			
روشن شدن حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها			
تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک			
میزان حضور داوطلبانه در فعالیت‌های محله			
بسترسازی برای افزایش ارتباطات غیررسمی بین ساکنان			
رویارویی و برخورد چهره به چهره			
شکل‌گیری گروه‌های رسمی و گروه‌های غیررسمی			
نام محله در ارتقاء محله‌گرایی در مدیریت شهری			
مفاهیم نمادین و فرهنگی در عوامل انسجام اجتماعی محله			
عوامل مذهبی و عقیدتی در گرایش ساکنان محله در مشارکت حل و فصل مشکلات اجتماعی محله			
حس تعلق به محله و حمیت قسمتی و گسترش روابط اجتماعی در محله	سیاسی / اداری / برنامه‌ریزی	عینی / بیرونی	
کیفیت روابط و تعاملات			
به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و هنجارهای عمومی			
نکوداشت میراث تمدنی و تاریخی محله			
مرزبندی و قلمروبندی محلات شهری			
وجود شوراهای و انجمن‌های مردم‌نهاد (شورایاری‌های محله)			
ایجاد و تقویت حس تعلق			
افزایش حس ایمنی و امنیت در بین ساکنین			
کاهش تنش‌ها و تضادهای درونی اجتماع			
محدوده مشخص و معین در بافت شهر			
هدفمندی سکونت در موقعیت مکانی معین			
اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مدیریت پایین به بالا محله‌مبناء			زیبایی‌شناختی
تقویت هویت‌های قابل تشخیص محله			
به کارگیری نمادها و نشانه‌ها			
تقویت عوامل حسی و ادراکی	کالبدی	عینی / بیرونی	
تقویت هویت مکانی			
بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر			
توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی به صورت یکپارچه			
معین دارا بودن ترکیب متوازی از فعالیت‌ها			
برخورداری محلات از مرکز معین			
وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی			
هویت و موحودیت اقتصادی و اجتماعی پویا			عملکردی/اقتصادی
حمایت از صنایع خلاق فرهنگی بر پایه مشارکت شهروندی			
تقویت پایه‌های اقتصاد خلاق محله‌محور			
کارآفرینی و اشتغال‌زایی محله‌محور			

تقویت اقتصاد دانش‌بنیان محله	زیست‌محیطی	
جلب مساعدت مردمی برای فرهنگ‌سازی شیوه‌های تمیز نگه‌داشتن محله		
به‌کارگیری طرح‌های ابتکاری محله‌محور در توسعه فضای سبز محله		
تقویت نهادهای مردم‌نهاد مرتبط با عمران محله		
فراهم بودن بسترها جهت تشویق ساکنین در استفاده از دوچرخه		
تقویت علاقمندی ساکنین به انجام ورزش‌های عمومی و همگانی		
میزان و سرانه کاربری فضای سبز		

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق ابتدا شاخص‌های مؤثر در تدوین سیاست‌های محله‌محوری در توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران به تعداد ۴۵ شاخص در زیرمجموعه مضامین ذهنی/درونی و عینی/بیرونی و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، اداری، زیبایی‌شناختی، کالبدی، اقتصادی و زیست‌محیطی دسته‌بندی شده و در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار جامعه نمونه خبره (پنل ارزیاب) قرار گرفت. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها جهت تعیین شاخص‌های نهایی در ۷ مرحله به شرح تجزیه و تحلیل آماری و محاسبات مربوط به CVI و CVR صورت پذیرفته و روایی و پایایی شاخص‌ها نیز در SPSS مورد ارزیابی قرار گرفت:

ورود داده‌ها

داده‌های مربوط به قضاوت افراد پانل ارزیاب (متخصصان) در پرسشنامه‌ها جهت انجام محاسبات ریاضی و آماری وارد نرم‌افزار SPSS19 گردید.

کمی‌سازی داده‌ها برای محاسبه CVR

برای ارزیابی کمی روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سؤال) پرسشنامه سنجش، لازم بود روایی محتوا (CVR) محاسبه گردید. برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه، به تعداد ۳۰ نفر از صاحب‌نظران، کارشناسان و متخصصان حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی شهر، متخصصان برنامه‌ریزی شهری، مدیران مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران ارسال گردید. متخصصان و اساتید شامل، تعداد ۴ نفر دانشیار، ۸ نفر استادیار، ۶ نفر دانشجوی دکتری و ۱۲ نفر کارشناسی ارشد بوده‌اند که در زمینه مدیریت محله و سیاست‌گذاری محله‌محوری در تهران صاحب‌نظر بودند. از متخصصان درخواست شد که در خصوص ۴۵ شاخص پرسشنامه به صورت «ضروری است»، «ضروری نیست ولی مفید است»، «ضرورتی ندارد» پاسخ دهند. برای کمی‌سازی آرای اعضای پانل ارزیاب (متخصصان) ابتدا پاسخ‌ها بر اساس محاسبه فراوانی اعضایی که به گزینه E (ضروری) تعلق گرفته بود در محیط نرم‌افزار SPSS استخراج

و در ادامه با استفاده از رابطه (۱)، CVR محاسبه و با جدول لاوشی^۱ انطباق داده شد. با توجه به تعداد اعضای پانل ارزیاب (مختصان) اعداد بالاتر از ۰/۳۳ مورد قبول واقع شد.

$$\text{CVR} = \frac{N_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} \rightarrow \text{رابطه (۱)}$$

N_e = تعدادی از اعضای پانل ارزیاب است که در آن زیرشاخص، گویه «ضروری» را انتخاب نموده باشند

N = تعداد کل اعضای گروه ارزیاب

مقادیری که به CVR اختصاص می‌یابد عبارتست از:

- هنگامی که کمتر از نیمی از افراد گزینه «ضروری» را انتخاب می‌کنند، CVR منفی است.
- هنگامی که نیمی از افراد گزینه «ضروری» و نیمی دیگر گزینه‌های دیگر را انتخاب کنند، CVR صفر می‌شود.
- هنگامی که همه افراد گزینه «ضروری» را انتخاب می‌کنند، CVR برابر ۱ می‌شود (که به منظور تبدیل آسان‌تر به مقدار ۰/۹۹ تعدیل می‌شود).
- هنگامی که تعداد افرادی که گزینه «ضروری» را انتخاب می‌کنند بیشتر از نیم، ولی کل افراد را شامل نمی‌شوند، CVR بین صفر و ۰/۹۹ به دست می‌آید (حسن‌زاده‌رنگی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳).

جدول ۳: حداقل مقادیر CVR قابل قبول بر مبنای تعداد متفاوت اعضای پانل (ارزیابان) از منظر لاوشی

تعداد اعضای پانل ارزیاب	حداقل مقادیر CVR قابل قبول
۷ تا ۵	۰/۹۹
۸	۰/۸۵
۹	۰/۷۸
۱۰	۰/۶۲
۱۵	۰/۴۹
۲۰	۰/۴۲
۲۵	۰/۳۷
۳۰	۰/۳۳
۳۵	۰/۳۱
۴۰	۰/۲۹

منبع: محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۶۲

در هنگام تفسیر CVR فرضیات زیر قابل استفاده است: (لاوشی به نقل از حسن‌زاده‌رنگی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳)
الف) هنگامی که همه اعضای پانل ارزیاب با ضروری بودن یک آیتم موافق هستند، اینگونه برداشت می‌شود که این آیتم کاملاً غیرضروری است.

ب) هنگامی که همه اعضای پانل ارزیاب با ضروری بودن موافق هستند، دو حالت وجود دارد؛ یا همه آنها اشتباه می‌کنند، یا همه قضاوتی درستی داشته‌اند. از آنجایی که آنها به عنوان یک متخصص اظهارنظر می‌کنند، بایستی نتیجه گرفت که آیتم به طور قابل توجهی ضروری در نظر گرفته شود.

ج) در رابطه با موارد شک برانگیز، دو فرضیه زیر که بر اساس اصول روانشناسی بنا نهاده شده‌اند قابل تصور است:
- هر زیرشاخصی که توسط بیش از نیمی از اعضای پانل ارزیاب، ضروری تشخیص داده شود، از درجه‌ای از روایی محتوایی برخوردار است.

- هر اندازه که تعداد اعضای بیشتری به ضروری بودن یک سؤال رأی موافق دهند (فراتر از ۵۰ درصد) به همان اندازه از میزان روایی بالاتری برخوردار است.

تعیین میانگین عددی قضاوت‌های اعضای پانل

بر مبنای پیشنهاد لاوشی، به منظور محاسبه مقدار میانگین عددی قضاوت تعلق گرفته به هر جزء ابزار، تبدیل‌ها در پرسشنامه روایی‌سنجی انجام می‌شود: الف) ضروری بودن معادل؛ عدد دو؛ ب) مفید بودن و عدم ضرورت معادل؛ عدد یک ج) غیرضروری بودن معادل؛ عدد صفر؛

تعیین معیارهای پذیرش یا رد شاخص‌ها

معیارهای زیر در پذیرش یا رد سؤالات پرسشنامه به کار رفته است:

الف) پذیرش بی‌قید و شرط زیرشاخص در صورتی که مقدار CVR آن مساوی یا بیشتر از ۰/۳۳ باشد. این عدد با توجه به تعداد اعضای ۳۰ نفره پانل متخصصان از جدول ۳ استخراج می‌گردد.

ب) پذیرش زیرشاخص در صورتی که مقدار CVR آن بین صفر و ۰/۳۳ باشد و میانگین عددی قضاوت‌ها مساوی یا بیش از ۱/۵ شود. این مقدار CVR نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از افراد اعضای پانل ارزیاب گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند. لذا در این حالت میانگین قضاوت‌ها به گزینه ضروری نزدیک‌تر است.

ج) رد زیرشاخص در صورتی که مقدار CVR آن کمتر از صفر شود و میانگین عددی قضاوت‌ها کمتر از ۱/۵ شود. CVR کمتر از ۱/۵ بدان معناست که کمتر از نیمی از افراد گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند و میانگین عددی قضاوت‌ها به گزینه مفید و غیرضروری نزدیک‌تر است.

در این تحقیق مطابق جدول (۴)، CVR تمامی ۴۶ شاخص مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفت. نتیجه تحلیل CVR تأیید هر ۴۵ شاخص انتخاب شده بود. پرسشنامه دوم مجدداً در اختیار اعضای پانل ارزیاب قرار گرفت تا بر مبنای شاخص مربوطه روایی محتوایی شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

جدول ۴: مقادیر CVR، میانگین عددی قضاوت‌ها و نتایج سنجش شاخص‌های مؤثر در تدوین سیاست‌های محله‌محوری در تهران

ابعاد	شاخص‌ها	CVR	میانگین عددی	پذیرش یا رد
اجتماعی	سیمای ذهنی و ادراکی ساکنین نسبت به محله	۰/۱۲	۱/۵۲	پذیرش
	شکل‌گیری بنیادهایی برای شکل‌گیری و تقویت حقوق و نظام اجتماعی	۰/۷۶	۱/۸۴	پذیرش
	میزان همپیوندی اجتماعی	۰/۳۶	۱/۵۶	پذیرش
	برنامه‌ریزی امنیت مردم‌نهاد	۰/۴۴	۱/۶۸	پذیرش
	روشن شدن حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها	۰/۶۸	۱/۸	پذیرش
	تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک	۰/۱۲	۱/۵۲	پذیرش
	میزان حضور داوطلبانه در فعالیت‌های محله	۰/۲۸	۱/۶	پذیرش
	بسترسازی برای افزایش ارتباطات غیررسمی بین ساکنان	۰/۶۸	۱/۸	پذیرش
	رویاریوی و بر خورد چهره به چهره	۰/۶	۱/۷۲	پذیرش
	شکل‌گیری گروه‌های رسمی و گروه‌های غیررسمی	۰/۶	۱/۷۶	پذیرش
شاخص‌های بوم شناختی / فرهنگی / تاریخی	نام محله در ارتقاء محله‌گرایی در مدیریت شهری	۰/۶	۱/۸	پذیرش
	مفاهیم نمادین و فرهنگی در عوامل انسجام اجتماعی محله	۰/۶۸	۱/۸۴	پذیرش
	عوامل مذهبی و عقیدتی در گرایش ساکنان محله در مشارکت حل و فصل مشکلات اجتماعی محله	۰/۷۶	۱/۸۸	پذیرش
	حس تعلق به محله و حمیت قسمتی و گسترش روابط اجتماعی در محله	۰/۷۶	۱/۸۸	پذیرش
	کیفیت روابط و تعاملات	۰/۷۶	۱/۸۴	پذیرش
	به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و هنجارهای عمومی	۰/۷۶	۱/۸۴	پذیرش
	نکوداشت میراث تمدنی و تاریخی محله	۰/۶۸	۱/۸۴	پذیرش
	مرزبندی و قلمروبندی محلات شهری	۰/۶۸	۱/۸	پذیرش
	وجود شوراهای و انجمن‌های مردم‌نهاد (شورایاری‌های محله)	۰/۲	۱/۵۶	پذیرش
	ایجاد و تقویت حس تعلق	۰/۴۴	۱/۷۲	پذیرش
سیاسی / اداری / برنامه‌ریزی	افزایش حس ایمنی و امنیت در بین ساکنین	۰/۴۴	۱/۷۲	پذیرش
	کاهش تنش‌ها و تضادهای درونی اجتماع	۰/۶۸	۱/۸	پذیرش
	محدوده مشخص و معین در بافت شهر	۰/۱۲	۱/۵۲	پذیرش
	هدم‌مندی سکونت در موقعیت مکانی معین	۰/۷۶	۱/۸۸	پذیرش
	اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مدیریت پایین به بالا محله‌مبناء	۰/۲۸	۱/۶۴	پذیرش
	تقویت هویت‌های قابل تشخیص محله	۰/۳۶	۱/۵۶	پذیرش
	به کارگیری نمادها و نشانه‌ها	۰/۲۸	۱/۶۴	پذیرش
	تقویت عوامل حسی و ادراکی	۰/۱۲	۱/۵۲	پذیرش
	تقویت هویت مکانی	۰/۶۸	۱/۸۴	پذیرش
	بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر	۰/۶	۱/۷۶	پذیرش
کالبدی	توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی به صورت یکپارچه	۰/۴۴	۱/۶۴	پذیرش
	معین دارا بودن ترکیب متوازنی از فعالیت‌ها	۰/۷۶	۱/۸۴	پذیرش
	برخورداری محلات از مرکز معین	۰/۴۴	۱/۷۲	پذیرش
	وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی	۰/۵۲	۱/۷۶	پذیرش

پذیرش	۱/۸۴	۰/۶۸	هویت و موحودیت اقتصادی و اجتماعی پویا	عملکردی/اقتصادی
پذیرش	۱/۶	۰/۴۴	حمایت از صنایع خلاق فرهنگی بر پایه مشارکت شهروندی	
پذیرش	۱/۷۲	۰/۵۲	تقویت پایه‌های اقتصاد خلاق محله‌محور	
پذیرش	۱/۶۸	۰/۵۲	کارآفرینی و اشتغال‌زایی محله‌محور	
پذیرش	۱/۵۲	۰/۲۸	تقویت اقتصاد دانش‌بنیان محله	
پذیرش	۱/۷۲	۰/۴۴	جلب مساعدت مردمی برای فرهنگ‌سازی شیوه‌های تمیز نگه‌داشتن محله	زیست‌محیطی
پذیرش	۱/۶	۰/۴۴	به‌کارگیری طرح‌های ابتکاری محله‌محور در توسعه فضای سبز محله	
پذیرش	۱/۶۸	۰/۵۲	تقویت نهادهای مردم‌نهاد مرتبط با عمران محله	
پذیرش	۱/۷۲	۰/۶	فراهم بودن بسترها جهت تشویق ساکنین در استفاده از دوچرخه	
پذیرش	۱/۵۲	۰/۳۶	تقویت علاقمندی ساکنین به انجام ورزش‌های عمومی و همگانی	
پذیرش	۱/۸	۰/۶	میزان و سرانه کاربری فضای سبز	

شاخص روایی محتوایی (CVI)

پس از تعیین و محاسبه CVR، و برای اطمینان از اینکه زیرشاخص‌ها ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده، از پرسشنامه شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. بررسی CVI بر اساس شاخص روایی محتوایی والتز و باسل^۱ صورت گرفت. CVI معادل میانگین مقادیر CVR سؤالات باقیمانده در مدل، آزمون یا ابزار روا شده می‌باشد. CVI نشان دهندهٔ جامعیت قضاوت‌های مربوط به روایی یا قابلیت اجرای مدل، آزمون یا ابزار نهایی است. هر چقدر روایی محتوایی نهایی بالاتر باشد، مقدار CVI به سمت ۰/۹۹ میل می‌کند و برعکس.

تعیین شاخص CVI

بدین منظور مجدداً پرسشنامه جهت محاسبه CVI به ۳۰ نفر از متخصصان مزبور ارسال گردید و از آنها خواسته شد که در مورد هر یک از ۴۵ سوال، سه معیار زیر را بر اساس طیف لیکرتی چهار قسمتی اظهار نظر نمایند: مربوط بودن، ساده بودن و واضح بودن. (مثلاً ۱: واضح نیست، ۲: نسبتاً واضح است، ۳: واضح است، ۴: کاملاً واضح است). بدین منظور امتیاز CVI به وسیله مجموع امتیازات موافق برای هر آیت‌م که رتبه ۳ و ۴ (بالاترین نمره) کسب کرده‌اند بر تعداد کل جامعه آماری تحقیق محاسبه می‌گردد.

$$CVI = \frac{\sum_n^1 CVR}{\text{Retained number}} \rightarrow \text{رابطه (۲)}$$

CVR = تبدیل صورت خطی و مستقیم اعضای گروه پانل است که عبارت «ضروری» را انتخاب کرده‌اند.

Retained number = تعداد شاخص‌های تأیید شده.

در این تحقیق پس از روایی سنجی یک بُعد در نهایت همه ۴۵ شاخص باقی ماند. مقدار شاخص روایی شاخص‌ها بر اساس رابطه (۲) به شرح ذیل محاسبه گردید.

$$CVI = \frac{30/2}{45} = 0/67$$

بنابراین مقدار شاخص روایی محتوایی مورد قبول برای پرسشنامه دوم ۰/۶۷ محاسبه گردید. یعنی معیارهایی مورد قبول خواهند بود که CVI آنها بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۶۷ باشند. اندازه روایی محتوایی بر اساس رابطه (۳) محاسبه می‌شود.

→ رابطه (۳) CVI =

مجموع تعداد اعضای پانل ارزیاب که به آیتم نمره ۳ و ۴ داده‌اند

تعداد کل پانل ارزیاب

بعد از محاسبه فراوانی تعداد پاسخ‌هایی که ۳ و ۴ بوده در نرم‌افزار، تمامی ۴۵ شاخص مربوطه مورد ارزیابی قرار گرفت تا اندازه روایی محتوایی شان بر مبنای شاخص ۰/۶۷ مورد سنجش قرار گیرد. بعد از انجام محاسبات مربوطه، اندازه CVI همه شاخص‌ها چون از ۰/۶۷ بالاتر محاسبه شد مورد تأیید قرار گرفت.

تعیین پایایی پرسشنامه

پایایی^۱ یا سازگاری درونی نشان دهنده این است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی را به دست می‌دهد. برای اندازه‌گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می‌شود. دامنه ضریب پایایی بین صفر و ۱+ است. ضریب پایایی صفر معرف عدم پایایی و ضریب پایایی ۱+ معرف پایایی کامل است (حسن‌زاده رنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). در این مرحله داده‌های پرسشنامه‌ای که CVI آن نهایی شده بود با ۴۵ شاخص، در نرم‌افزار SPSS وارد شد. در ادامه پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ^۲ مورد سنجش قرار گرفت که حاصل آن ۰/۸۷ بود. از آنجایی که ۰/۸۷ به صورت معناداری از ۰/۷ بزرگ‌تر است، نشانگر آن است که پرسشنامه دارای سازگاری درونی قوی است.

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با تجزیه و تحلیل صورت گرفته روی ۴۵ شاخص گزینش شده برای تعیین ضرورت استفاده از شاخص‌ها در چارچوب پرسشنامه نسبت روایی محتوایی (CVR)، همه شاخص‌ها واجد احراز حداقل مقدار CVR یعنی ۰/۳۳ شدند. بر همین اساس، شاخص روایی محتوایی بر اساس ۴۵ شاخص محاسبه گردید که مقدار حداقلی آن ۰/۶۷ محاسبه شد. در ادامه بر مبنای همین شاخص، پرسشنامه CVI که یک پرسشنامه طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای برای بررسی آیتم‌های مربوط بودن، واضح بودن و ساده بودن طراحی شده بود، مورد ارزیابی قرار گرفت و همه شاخص‌ها واجد احراز حداقل مقدار CVI یعنی

1 - Reliability

2 - Cronbachs Alpha

۰/۶۷ شدند. با تجزیه و تحلیل جواب‌های احراز شده مشخص شد صاحب‌نظران، کارشناسان و متخصصان حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی شهر، متخصصان برنامه‌ریزی شهری، مدیران مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران تمامی ۴۵ شاخص گزینش شده ذیل ابعاد اجتماعی، بوم‌شناختی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، اداری، زیبایی‌شناختی، کالبدی، عملکردی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در تدوین سیاست‌های برنامه‌ریزی شهر محله‌محور که در توسعه اجتماعی و فرهنگی پایدار تهران مؤثر هستند را مورد تأیید قرار داده‌اند.

بر اساس نتایج تحقیق، اگر قرار است کلان‌شهر تهران با شعار محله‌محوری به سمت افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و همچنین توسعه محله‌ای حرکت کند، ضرورت دارد تا بسترهای لازم در این خصوص را از طریق موارد زیر مهیاسازی شود:

۱- در بُعد کالبدی؛ گسترش فضاهای عمومی: اماکن عمومی همچون بوستان‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و سرای محل یا فرهنگسراها، مکان‌هایی هستند که شهروندان این فرصت را پیدا می‌کنند که با یکدیگر تعامل و تبادل اجتماعی داشته باشند. در واقع در چنین مکان‌هایی امکان شکل‌گیری روابط اجتماعی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود.

۲- در بُعد اجتماعی؛ تقویت اجتماعات محلی: انجمن‌های محلی، گروه‌های همسالان و هیأت‌های مذهبی انواع گروه‌های محله محور محسوب می‌شوند. این گروه‌ها هستند که به اهالی محل هویت می‌دهند و اعتماد عمومی را میان آنها به وجود می‌آورند. اجتماعات محلی آن بخشی از جامعه محلی هستند که می‌توانند بار اصلی توسعه محلی را بر دوش بکشند.

۳- در بُعد سیاسی؛ افزایش اختیارات شورایاری‌ها: مشارکت اجتماعی تنها از طریق اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین شده میسر نمی‌شود. مشارکت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان بتوانند از حق تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی توسط نمایندگان بهره‌مند شوند. به‌طور مثال شورایاری‌ها توانسته‌اند بستر مناسبی را برای اینکه اجتماعات محلی بتوانند تصمیم‌گیری مشارکتی را تجربه کنند، فراهم کنند.

۴- در بُعد فرهنگی؛ برنامه‌ریزی برای نهادینه‌سازی ارزش‌های فرهنگی در محله بر اساس شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگی ساکنان محله از طریق برگزاری فستیوال‌ها و جشنواره‌های فرهنگی در مقیاس محله باید مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران محلات شهری قرار گیرد. همچنین سرمایه‌گذاری برای احیاء و مرمت ارزش‌های مکانی و فضایی موجود در محلات برای ارتقاء سرزندگی محلات، علاقمندی و تقویت حس مکان در بین ساکنان محله نسبت به محله بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

در نهایت اجرای سیاست‌های محله‌محوری در کلان‌شهر تهران مستلزم ایجاد ساختار متناسب برای دستیابی به آن است، برای تحقق این مهم می‌توان از مکانیزم و ظرفیت‌های قانونی مانند شورای اسلامی شهر، شورایاری و هیأت امنای مساجد، تشکل‌های غیر دولتی به عنوان بازوان اجرایی بهره برد. گام دیگر برای نهادینه کردن و تحقق محله‌محوری در تهران،

طرح‌های شهرسازی و مطالعات شهری است که می‌تواند به عنوان توسعه آتی و برنامه‌ریزی و ساماندهی وضع موجود به کار رود. همچنین مشارکت دادن همه عوامل واگذاری امور محلی به مردم و باورکردن ساکنان محله به ویژه قشر جوان برای اداره برخی از خدمات محله‌ای مانند پارک، خانه‌فرهنگ و ... و تقویت آنها می‌تواند تاثیرگذار باشد.

منابع و مآخذ

- ۱) آمارنامه شهر تهران. (۱۳۹۸). سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، منتشر شده در سایت: <https://tmicto.tehran.ir/Portals>
- ۲) حسن‌زاده‌رنگی، ن.، الهیاری، ت.، خسروی، ی.، زائری، ف.، و صارمی، م. (۱۳۹۱). طراحی پرسشنامه شکست‌های شناختی شغلی: تعیین روایی و قابلیت اعتماد ابزار. فصلنامه سلامت کار ایران، دوره ۹، شماره ۱، صص: ۲۹-۴۲.
- ۳) حقیقتیان، منصور؛ اسماعیلی، رضا؛ کریمی‌زاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴)، محله‌محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص: ۷۴-۵۳.
- ۴) خوند، کبری (۱۳۹۶)، مدیریت شهری با رویکرد محله‌محوری، اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی، زنجان: گروه جغرافیای دانشگاه زنجان.
- ۵) تقوایی، علی‌اکبر؛ تاجدار، رسول (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، ۵۸-۴۵.
- ۶) رزاقی، حمید (۱۴۰۰)، نقش و اهمیت احیای محله‌محوری در توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر، منتشر شده در: <http://fhnews.ir/fa/news/115213>
- ۷) سجادی، ژیلا؛ افراسیابی‌راد، محمدصادق؛ یوسفی، حسین. (۱۳۹۸). تجزیه و تحلیل شاخص‌های جهانی محیط زیست با رویکرد توسعه پایدار شهری. تحقیقات جغرافیای انسانی. دوره ۵۰. شماره ۴. ۹۲۷-۹۰۷.
- ۸) سلیمانی، منصور (۱۳۹۴)، چالش‌ها و الزامات تحقق مدیریت محله در کلانشهر تهران، مورد مطالعه منطقه ۱۰ شهرداری تهران، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹) شهبازی، مهدی (۱۳۸۸)، مطالعه جامعه‌شناختی نقش سرمایه اجتماعی شورایی محله‌ها در توسعه محلی شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.
- ۱۰) عسکری‌آزاد، محمود (۱۳۹۲)، مدیریت امور محلی مبتنی بر مشارکت شهروندان، تهران: چاپ آذرخش.
- ۱۱) فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷)، تاریخ بخارای نرشنخی، نمونه‌های نفیس از تاریخ‌های محلی، نشریه: اطلاع‌رسانی و کتابداری کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱.
- ۱۲) قادری، صلاح‌الدین؛ فاضلی، محمد؛ پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۹۵)، راهبردهای محله‌محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، فصلنامه توسعه محلی (روستایی - شهری)، دوره هشتم، شماره ۱، صص: ۵۷-۸۸.

۱۳) کلانتری خلیل‌آباد، حسین، ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی شهرهای اردکان و میبد)، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره هفتم، صص: ۳۹-۵۲.

۱۴) محمدبیگی، ابوالفضل، نرگس محمدصالحی، محمدعلی گل (۱۳۹۳)، روایی و پایایی ابزارها و روش‌های مختلف اندازه‌گیری آنها در پژوهش‌های کاربردی در سلامت، مجله علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۳، ۱۱۰-۱۱۵۳.

۱۵) موحد، علی؛ شماعتی، علی؛ اوهانی زنوز، علی (۱۳۹۷)، ارزیابی محله‌گرایی در طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ تهران)، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص: ۱۲۲-۱۳۸.

۱۶) نقیبی، فریدون؛ قریشی، فاطمه سادات (۱۳۹۷)، بررسی نقش محله محوری در شهر ارومیه در چرخه مدیریت بحران، دومین کنفرانس بین‌المللی افق‌های نو در علوم مهندسی، استانبول- ترکیه، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

- 17) Lysgard, S.(2016), The 'actually existing' cultural policy and culture-led strategies of rural places and small towns. *Journal of Rural Studies*. Volume 44, Pages 1-11.
- 18) Pill, madelie .(2011), *Neighbourhood Management: Development of an assessment framework: school of City Reginal Planning, Cardiff University, United Kingdom.*
- 19) Power, Anne.(2004), *Neighbourhood Management and the Future of Urban Areas, Centre for Analysis of Social Exclusion London School of Economics*
- 20) Sutton, Stacey; Hall, Buell.(2013), *Neighborhood, Change Planning and Policy, International Conference of Neighborhood, Toronto, Canada.*